





کافه خاطره روزنامه صبا؛ گفت‌وگو با معصومه کریمی بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون

ممنوع‌الکاری ساعت خوش ضربه بدی به بازیگران زد

پدر و مادرم تا مدتها نمی‌دانستند که بازیگر شده‌ام!

احمد محمداسماعیلی
گفت‌وگو

معصومه کریمی برای بسیاری از مخاطبان تلویزیون با نقش همسر بهروز در مجموعه خاطره‌انگیز «زیر آسمان شهر» شناخته می‌شود؛ زنی صبور که با رفتارهای خالی‌بندانه همسرش کنار می‌آید و موقعیت‌های شیرینی خلق می‌کند. با این حال، کارنامه بازیگری کریمی به این نقش محدود نمی‌شود. او از اواخر دهه ۶۰ فعالیت تئاتری خود را آغاز کرده و در طول سال‌های فعالیتش با کارگردانانی چون نصرالله قادری همکاری داشته است. همکاری با فیلم‌سازانی همچون مهران مدیری، هنرمند، معتمدی و افخمی نیز بخشی دیگر از تجربه‌های حرفه‌ای او را شکل می‌دهد. کریمی چند سال پیش برای بازی در نمایش «و چند داستان دیگر» به نویسندگی و کارگردانی پیام لاریان، جایزه بهترین بازیگر زن جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر را دریافت کرد. «خانه پاکیزه»، «جاده عشق»، «هبوط»، «دیدار»، «پرواز ۵۷»، «ساعت خوش»، «در پناه تو»، «روز شیطان» و «کلینیک رویا» از دیگر آثار کارنامه بازیگری او هستند. در گفت‌وگو با معصومه کریمی، درباره مسیر حرفه‌ای، تجربه‌های بازیگری و فراز و نشیب‌های سال‌های فعالیت هنری‌اش صحبت کرده‌ایم.

○ نخستین جرقه علاقه شما به هنر از کجا شکل گرفت؟ آیا از همان ابتدا به بازیگری فکر می‌کردید؟

اولین گرایش هنری من به خوشنویسی مربوط می‌شود. بر اثر اتفاقی، در سال دوم راهنمایی در کلاس‌های تابستانی خوشنویسی ثبت‌نام کردم. در ابتدا علاقه چندانی نداشتم، اما حضور معلمی دلسوز، مهربان و آگاه باعث شد به این هنر علاقه‌مند شوم. نخستین باری که در دفترم خوشنویسی کردم، معلمم مرا تشویق کرد و همین تشویق انگیزه‌ام را بیشتر کرد. این مسیر تا زمان گرفتن دیپلم ادامه داشت، اما پس از آن خوشنویسی را دنبال نکردم.

○ در دوران تحصیل هم به درس و مدرسه علاقه داشتید یا فعالیت‌های هنری برایتان جذاب‌تر بود؟

برخلاف سایر اعضای خانواده‌ام، در ابتدا علاقه چندانی به درس و مدرسه نداشتم و معمولاً در حد قبولی نمره می‌گرفتم. علاقه اصلی من بیشتر به فعالیت‌های فوق‌برنامه مدرسه، به‌ویژه تئاتر، بود. از کلاس دوم دبستان تئاتر بازی می‌کردم و هنوز هم عکس‌هایی از آن دوران دارم. البته به روزنامه دیواری هم علاقه داشتم. کلا به همه کارها به جز درس خواندن علاقه داشتم!

○ در دوران کودکی و نوجوانی، سینما رفتن هم جزو تفریحات خانوادگی شما بود؟

دهه ۶۰ کشور درگیر جنگ بود و شرایط زندگی سختی داشتیم. به همین دلیل، سینما رفتن چندان در برنامه‌های روزمره خانواده قرار نداشت. گاهی که خواهر و برادرهای بزرگ‌ترم فرصت پیدا می‌کردند به سینما بروند، من هم همراهشان می‌رفتم.

○ اولین تجربه سینما رفتن شما با تماشای کدام فیلم رقم خورد؟ آیا آن تجربه در شکل‌گیری علاقه‌تان به سینما تأثیر داشت؟

اولین فیلمی که در سینما دیدم، «محمد رسول‌الله» بود که همراه برادر بزرگم به تماشای آن رفتم. فیلم برایم بسیار جذاب بود. البته در آن دوران، تلویزیون مهم‌ترین منبع سرگرمی من به شمار می‌رفت. تماشای برنامه استاد عالمی درباره سینما باعث شد جدی‌تر به این هنر فکر کنم و از همان زمان تصمیم گرفتم حتماً وارد فعالیت‌های هنری شوم. به تدریج علاقه‌ام به عکاسی هم شکل گرفت.



نخستین درآمدم را در دوران دبیرستان و از طریق عکاسی در مراسم عروسی یکی از دوستانم به دست آوردم. عکس‌ها را در عکاسی‌ای چاپ کردم که صاحب آن، فیلم‌بردار مراسم عروسی دوستم بود. پس از دیدن عکس‌ها، او به من پیشنهاد همکاری داد.

○ آیا عکاسی را همچنان دنبال می‌کنید یا این علاقه هنری به خاطره‌ای از گذشته تبدیل شده است؟

یک دوربین عکاسی از برند کانن دارم که سال‌هاست همراهم است. قبلاً در خانه و محیط بیرون از سوژه‌های مختلف عکاسی می‌کردم، اما چند سالی است که کمتر دوربینم را بیرون می‌برم و در صورت نیاز با تلفن همراهم عکس می‌گیرم. در حال حاضر عکاسی برایم بیشتر جنبه تفریحی دارد.

○ ورود جدی شما به دنیای بازیگری از چه زمانی و با چه فعالیتی آغاز شد؟ آیا «ساعت خوش» نخستین تجربه تلویزیونی شما بود؟

از سال ۱۳۷۰، زمانی که سال چهارم دبیرستان بودم، با بازی در تئاتر وارد دنیای بازیگری شدم. نخستین تجربه‌ام حضور در نمایشی بود که پایان‌نامه اسماعیل شفیعی به شمار می‌رفت و در تالار مولوی روی صحنه رفت.

○ آشنایی شما با اسماعیل شفیعی چگونه شکل گرفت و چه اتفاقی باعث شد نخستین تجربه بازیگری‌تان را در تئاتر آغاز کنید؟

در منطقه ۱۲ آموزش‌وپرورش، کلاس‌های آموزشی در حوزه طراحی، فیلم‌برداری و فیلم‌سازی برگزار می‌شد و من هم‌زمان با تحصیل در دبیرستان در این کلاس‌ها شرکت می‌کردم. از هما دلیر، استاد فیلم‌برداری‌ام، مشورت خواستم که برای ورود به دنیای هنر چه مسیری را دنبال کنم. ابتدا چند کتاب به من معرفی کرد و سپس پیشنهاد حضور در نمایش «آخرین مردان قبیله» را داد؛ نمایشی که پایان‌نامه یکی از همکارانش بود. من هم پذیرفتم.

آذرماه ۱۳۷۰ به تمرین‌های نمایش رفتم. تمرین‌ها بعدازظهر برگزار می‌شد و ماندن تا آن ساعت برایم دشوار بود. خانواده‌ام علاقه داشتند تحصیلاتم را در رشته‌های علمی ادامه بدهم. برای اینکه بتوانم در تمرین‌ها شرکت کنم، به آن‌ها گفتم بعدازظهرها کلاس‌های فوق‌برنامه درسی دارم و به این ترتیب، تمرین تئاتر را آغاز کردم.

○ نمایش «آخرین مردان قبیله» نخستین تجربه حرفه‌ای شما در بازیگری تئاتر بود؟ این تجربه چه مسیری را پیش رویتان باز کرد؟

بله. پس از آن، به‌طور پیوسته در تمرین‌های تئاتری گروه‌های دانشجویان دانشگاه هنرهای زیبا و دانشکده سینما و تئاتر حضور داشتم. نمایش «آقای لاله» دومین تجربه‌ام بود که دیالوگ‌های آن به زبان ترکی اجرا می‌شد و ساختار نمایشی آن نیز مبتنی بر حرکت و فرم بود.

این همکاری در اجرای بعدی «آقای لاله» در تئاتر سنگلج ادامه پیدا کرد. از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲ به‌طور مستمر کار کردم. آن دوران برایم حکم یک کلاس آموزشی را داشت.

○ خانواده‌تان از چه زمانی از فعالیت بازیگری شما مطلع شدند و واکنششان به این انتخاب چه بود؟

ابتدا موضوع را با خواهرانم در میان گذاشتم و آن‌ها برای تماشای نمایشم آمدند. به‌تدریج و در سال ۱۳۷۲، پدر و مادرم هم با دیدن بازی‌ام در سریال تلویزیونی «پرواز ۵۷» از ورود جدی من به دنیای بازیگری مطلع شدند.

○ مسیر ورود شما به تلویزیون و حضور در سریال «پرواز ۵۷» چگونه شکل گرفت؟ آیا آشنایی با مهران مدیری در این مسیر نقش داشت؟

همکارانم در تئاتر، هر جا به بازیگر نیاز بود، من را معرفی می‌کردند. سال ۱۳۷۲ در نمایش «بانوی سپیده‌دم» بازی می‌کردم که در فرهنگسرای نیاوران روی صحنه رفت. دوستانم در گروه تئاتر خبر دادند که برای فیلم «جاده‌های عشق» بازیگر انتخاب می‌کنند. به دفتر تولید رفتم، تست دادم و در فیلم پذیرفته شدم.

پس از آن، برای فیلم «دیدار» هم انتخاب شدم که مهران مدیری بازیگر نقش اصلی آن بود. او من را برای حضور در «پرواز ۵۷» انتخاب کرد. بیشتر بازیگران این مجموعه نیز از فعالان تئاتر بودند.

○ پیش از حضور در «پرواز ۵۷» با بازیگران این مجموعه آشنایی داشتید؟

به‌جز زیبا خادم، کسی را نمی‌شناختم. بیشتر آن‌ها در نمایش‌های فرهنگسرای نیاوران بازی می‌کردند.

○ در آن مقطع به بازی در آثار طنز علاقه داشتید یا بیشتر به دنبال تجربه ژانرهای مختلف بازیگری بودید؟

آن زمان تازه فعالیت حرفه‌ای‌ام را آغاز کرده بودم و اغلب پیشنهادهای کاری را می‌پذیرفتم. دوست داشتم در ژانرهای مختلف تجربه کسب کنم. در کنار فعالیت‌های بازیگری، در دوره‌های آموزشی رشته‌های مختلف هم شرکت می‌کردم و مدتی نیز به آموزشگاه استاد سمندریان رفتم.

○ عکاسی از چه زمانی وارد زندگی حرفه‌ای شما شد؟ آیا در دوران همکاری با «ساعت خوش» و «پرواز ۵۷» هم عکاسی می‌کردید؟

بله، عکاسی می‌کردم. بیشتر عکس‌های پشت‌صحنه دو مجموعه «ساعت خوش» و «پرواز ۵۷» را من گرفته‌ام.

○ در شکل‌گیری آیتم‌های «ساعت خوش» و «پرواز ۵۷» چقدر به بازیگران فرصت ایده‌پردازی و بداهه‌پردازی داده می‌شد؟

بیشتر داوود اسدی و ارژنگ امیرفضلی از نویسندگان مجموعه بودند و متن‌ها را می‌نوشتند. به‌تدریج نصرالله رادش، سعید آقاخانی و رضا عطاران هم به جمع نویسندگان اضافه شدند. البته بداهه‌پردازی در شکل‌گیری هر آیتم نقش مهمی داشت. معمولاً با یک خط اصلی پیش می‌رفتیم و بخش‌هایی از کار در جریان اجرا شکل می‌گرفت.

○ در آثار ابتدایی مهران مدیری، نقش زنان بیشتر در حاشیه قرار داشت. آیا این رویکرد را متأثر از فضای طنز تلویزیونی آن دوران می‌دانید؟

